



سخنرانی حجت الاسلام و المسئومین صدیقی
ریاست محترم شعبه دوم دادگاه عالی انتظامی قضات

نه برای دیگران، برای خودت بخوان

خودمان را محدود می‌کنیم در کارهایی که می‌کنیم می‌بینیم نه تنها رفع مشکل نکرده ایم مشکلی بر مشکلات ما اضافه شد خداوند منان از آن جهت که: "لا مؤثر فی الوجود الا الله تبارک و تعالی" اسباب بدون اراده خدا هیچ سببیتی ندارند بنابراین تمام عالم دشمن باشد و شما تک باشید خدا بخواد سلاح آنها، توطئه آنها، اتحاد آنها در شما هیچ اثر نکند عذو شود سبب خیر اگر خدا خواهد، با تمام امکاناتی که می‌خواستند شما را بشکنند باعث عزت شما می‌شوند این حاج سید حسن نصرالله که ما توقعمان از شما بندگان صالح خدا با همان آهنگی که شما در آن سی و سه روز نبرد ایشان دعا می‌کردید باز هم دعا کنید عزت آنها عزت اسلام است پیروزی آنها پیروزی تشیع و مکتب علوی است آنها برای عالم، برای ما حجت اند مظهر اقتدار، ایمان، جهاد آنها برای ما آبرو کسب کرده اند در اوایل درگیری بود یکی از رفقای اهل علم می‌گفت: در هفته اول درگیری خیلی نگران شده ام نشویش و اضطراب زیاد بود تقمیلی به قرآن زدیم این آیه آمد: "فلما ذهبوا به و اجمعوا ان يجعلوه فی غیبت الجب و اوحینا الیه لتنبئهم بامرهم هذا و هم لا یשמعون" گفت خیلی امیدوار شدم آیه در مورد برادران حضرت یوسف است آنها اجتماع کردند که یوسف را در چاه بیندازند خداوند می‌فرماید: "لتنبئهم بامرهم هذا و هم لا یשמعون" اینها از نظر ظاهر چاهی درست کردند و حضرت یوسف را در آن انداختند خواستند او را از میان بردارند غافل از اینکه چاه از دید آنها چاه است ولی از دید ما تردبان ترقی است این باتیان توطئه را ما با خیر خواهیم کرد که این کارشان چه قدر به نفع حضرت یوسف تمام خواهد شد قرآن کریم ما را در خوابمان مستقل نمی‌بیند "و من آیاته منامکم باللیل"، خدا در خنده و گریه ما را مستقل نمی‌داند "اضحک و ابکی" خیلی وقتها می

با خدا هیچ فاصله ای نداریم، یکی بود یکی نبود غیر خدا هیچ کس نبود آنجا ما فقط خدا را می‌دیدیم نه کسی داشتیم نه چیزی داشتیم نه خودمان را کسی میدانستیم بقدری آن فضا شیرین بود خدا با خود ما بدون هیچ واسطه ای سخن گفت به ما فرمود: "الست بربکم قالوا بلی" ما هم به او یک قولی داده ایم که ربوبیت تو را قبول کرده ایم، "بلی" این بلی را در عهد ازل، روز میثاق و فطرت به خدای خودمان در پاسخ به گفتار حضوری خدا که نه پیامبری فرستاد نه ملکی را برای ما مامور کرد گفتیم "اشهدم" خودش از ما شاهد گرفت قولی از ما گرفت و خود را بر خودمان شاهد گرفت خودمان علیه خودمان شاهد خواهیم بود عذری با این اقرار و تعهدی که سپرده ایم آنجا نداریم "الست بربکم قالوا بلی" این نکته را خدا به وضوح به ما گفته، شما پیش ما بودید غیر از ما کسی حضور نداشت خودمان با خودتان صحبت کردیم شما به ما بلی را گفتید امیرالمومنین (ع) که اهل ذکر بود و هیچوقت میثاق فطرت را فراموش نکرد شعار ایشان این است که: "الهی کفی بی عز آن تکون لی ربی و کفی بی فخر آن اکون لک عبدا" جناب قاضی، جناب روحانی، جناب دانشگاهی و فرهیخته بیا نوکر هیچکس نباش عزت به این باشد که ربت خداست عزت به دست اوست، اقتدارت به دست اوست، هدایتت به دست اوست به ذات مقدسش قسم، روزی شما هم به دست اوست این بینشی که قرآن به ما می‌دهد خدای تعالی اسباب را خودش تصبیب کرده ولی اسباب، خدا را محدود نکرده، ما در مقرراتی که خودمان وضع می‌کنیم برای خودمان حصار درست می‌کنیم می‌خواستیم از یک بن بست خارج شویم ناچار شدیم مقرراتی را وضع کنیم در باز کردنی، آن در باز کردیم دیدیم درهای زیادی بروی خودمان بسته ایم ما در قوانینی که وضع می‌کنیم

اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم
رب اشرح لی صدري و یسر لی امری و احلل عقدة
من لساني یفقهوا قولی
الحمد لله و الصلوة علی خاتم الانبیاء سیدنا ابی
القاسم محمد (ص) و آله المعصومین سیما مولانا بقیة
الله فی العالمین ارواحنا فداء و عجل الله فرجه الشریف
واللعن علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین
"و لا ترکوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار"

برای من مایه مباحثات است که در جمع شما سنگر نشینان امن و عدل به عنوان عضو کوچکی بیانگر منویات مقدس اعتقادی این عزیزان باشم و انشاءالله از این جمع معنوی و اخلاقی، خودم درس بگیرم چیزی که شما نداشته باشید ما بخواهیم به شما بدهیم این، هم در حیطه دارایی ما نیست و هم بحمدالله مقام شما اجل است و همگی تحصیلات عالیه دارید، گروهی از علما، روحانیون و معممین عزیز ما هستند جمع دیگری که کسوت ندارند همه شما را ما روحانی و علما میدانیم و بحمدالله هر چه آدم نزدیکتر می‌شود اعتقادات پاکیزه و نورانی، علاقه به درست شدن، رنج از بدی همه در تک، تک شما برای من ملموس است چون خدا ما را به برکت امام حسین (ع) روضه خوان شما قرار داده است.

انس ما یک انس تشریفاتی و همایشی نیست یک انس طبیعی که همه مردم با ما دارند چون تواضعشان اقتضای همین معنی را دارد در این مجلس من بنا دارم که انشاءالله از خودمان حرفی نداشته باشیم و اگر حرفی می‌زنیم مستند باشد.

نکته اول: بر اساس قرآن کریم به ما می‌دهد ما در یک مرحله ای، مرتبه ای لفظ نداریم تقریب به ذهن است ما

خواستیم خوش باشیم خیلی‌ها می‌خواهند ما را بخنداند ولی قبضیم دل ما احساس زندان می‌کند کنار آدم می‌رود پیش دوستان می‌رود افسرده دل افسرده کند انجمنی را ، انسان نمی‌تواند این غم را از خودش دور کند گاهی اوقات انسان می‌خواهد در مجلس حالی گریه کند در دل شیبی است بلند شده آرزو دارد باز مزه‌های من اشکی بریزد از جمله چیزهایی که از خودمان توقع داریم : "لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله و الیوم الاخر و ذکر الله کثیرا" پیامبر در حرکت اصلاحی اش ، در حرکت دادگستری اش سه مرحله را پیموده است مرحله اول قرائت ، هر کس داعیه نجات دیگران را دارد در بدو امر حقیقتاً تک ، تک شما بزرگواران در جای پیامبر نشسته اید و قطعاً همین جا که من نشسته ام جای پیامبر است حضرت آیت الله بهجت می‌فرمود : آنجا که شما نشسته اید صحبت می‌کنید جای پیامبر است مواظب باش از خودت مصرف نکنی مردم مشتری شما نیستند مشتری او (خدا) هستند آنها می‌خواهند حرفهای او را بشنوند : "اقرأ باسم ربک الذی خلق ، خلق الانسان من علق ، اقرأ وربک الاکرم" قرائت و مطالعه کردن ، به قانون مراجعه کردن روزی یک حدیث دیدن آیه ای را با تامل زیارت کردن روزی یک چهره صالحی را دیدن پاکی را چند بار در قیافه او خواندن "اقرأ" دائماً باید انسان به گوش جان خودش بخواند دائماً باید رادار او بگیرد دائماً باید ماهواره او تصاویر را در قلب انسان منعکس کند این قدم اول است کسی بخواند دیگران را نجات بدهد ، مصلح و ظلم ستیز و حامی افتادگان باشد ولی خودش نیرو نداشته باشد او نمی‌تواند ، در قدم اول بگوش خودت و بعد برای دیگران بخوان دائماً باید اهل قرائت بود دیدن آیه قرآن ، حدیث ، کتاب قانون و چهره پاکان نباید لحظه ای غافل بود ولی قرائت تو "باسم ربک الذی خلق" باشد قرائت تو ، خود تو مخلوق است فرآورده های شما مخلوق اند هیچوقت مخلوق خالق نمی‌شود هیچگاه کسی که ذاتاً فقیر است و همه وجودش دم به دم از دیگری است یک وقت ادعای استقلال نداشته باشی به خودت نبندی خدا یک میز را در اختیار قرار داده او داده و امتحان می‌کند به زودی از پشت این میزها می‌رویم مگر کسی مانده که ما هم بمانیم این سوره یس را صبح‌ها هدیه کنید به امام زمان (عج) ، به صدیقه طاهره حضرت زهرا (س) آن را صبح و شام بخوانید در مفاتیح الجنان نیز روایاتی نقل شده که بهتر است این سوره صبح و شام خوانده شود آنرا هدیه کنید به مادر حضرت حجت ، مادر ماهربانی خاصی دارند هر کسی هم به مادر خودش حساسیتی دارد امام زمان (عج) به مادرش حساس است و هم حواله ما با حواله های دیگر فرق دارد مادر یک حواله ای در مورد شما بدهد به آقا زاده اش "الم یروا کم اهلکننا قبلهم من القرون انهم الیهیم لا یرجعون" مگر ندیدید همه رفتند مسافرید شما هم می‌روید اینجا لحظه اید سخنرانی ریاست محترم قوه تمام شد بنده مغیوب بودم نتوانستم از کلمات این سید بزرگوار ریاست محترم دادگستری استان تهران بهره ای بگیرم ولی به هر حال تمام شد چه چیزی برای آقایان مانده یا نه

؟ خودشان می‌دانند برای چه کسی و برای چه گفتند ؟ به به ای بشنوند یا نشنوند خودم را گول می‌زند دارد می‌رود تمام شد "الم یروا کم . . . اینها را باید دائماً بگوش خودمان بخوانیم "اقرأ" نه برای دیگران برای خودت بخوان در روایات آمده "اعقلوا عقل رعایه لا عقل روایه" آنچه می‌خوانی اول خودت را درست کن امیرالمومنین علی (ع) می‌فرمود "ما کنت افسد نفسی لاصلاحکم" من کسی نیستم برای اینکه شما به حقیقت بررسی فساد کنم من برای اینکه بخوام شما را اصلاح کنم باید خودم صالح باشم من اول به فکر نجات خودم هستم به خاطر شما من از دینم مایه بگذارم از اعتقادتم مایه بگذارم در آخرت با این همه نیازی که دارم و باید برای آنجا سرمایه گذاری کنم اینجا هزینه کنم به خاطر تو که می‌خواهی به حقت بررسی ولی خودم باعث بشود هزاران عواض را در کنار آن قبول کنم من این کار را نمی‌کنم "ما کنت افسد نفسی لاصلاحکم" اول خودم را اصلاح می‌کنم و بعد با تثبیت صلاحیت خودم اگر دیدم توان اصلاح شما را دارم اقدام می‌کنم آدم باید بداند که این کلاسها و جلسات و اوقاتی که برای ارباب رجوع تعیین می‌کنیم به خدا کلاس سازندگی است اگر ما توجه داشته باشیم یا معامله با خدا می‌کنیم یا معامله با شیطان ، شما نمی‌دانید که همین جلساتی که تشکیل می‌دهید چه قدر می‌توانید ذخیره کنید مگر چیزی با عدل از نظر عبادت برابری میکند ؟ "بالعدل قامت السموات و الارض" همه چیز قوامش به عدل است اقامه عدل می‌کنیم امر به معروف می‌کنیم نهی از منکر می‌کنیم احقاق حق می‌کنیم ایجاد امن می‌کنیم اینجا همه عناوین ارزشی است که خدا برای قاضی پیش آورده است و دیگری این زمینه را ندارد عامل به معروف و واقعی که خیر بودن امت محمد (ص) بر دیگران است یعنی اگر این را "امر به معروف و نهی از منکر" برداردی اسلامتان هیچ است "کنتم خیر امه اخرجت للناس تمارون بالمعروف و تنهون عن المنکر" عامر به معنی واقع کلمه که حکم می‌کند و امرش نافذ است شخص قاضی است قاضی با عنوان مامور الهی که دین خدا را حفاظت می‌کند در پشت میز قضاوت که می‌نشیند مثل یک سرباز مجاهد که از وجود پیامبر حفاظت می‌کند مثل ابودجانه یا مثل نصیبه جراحه که دور پیامبر میگشت و گیسوی خودش را کند و برای کمانش که زه نداشت زه درست کرد و از پیامبر دفاع کرد او از وجود فیزیکی پیامبر دفاع کرد اما یک قاضی از وجود فرهنگی ، علمی ، قانونی و اخلاقی پیامبر دفاع می‌کند اگر هر لحظه ای که پشت میز نشسته ایم با این باور بشنیم که امام عصر ارواحنا فداه قرار است که تشریف بیاورند و تا زمانی که تشریف نیاورده اند کار را به من سپرده اند من هم سرباز او هستم و از ایشان دفاع می‌کنم و از حیثیت دینم دفاع می‌کنم مقررات قانون ام که خدا برای من نازل کرده و منت گذاشته دفاع می‌کنم بنده مرزبان هستم مرزبان این کشور عرصه قرآنی نبوی هستم اگر با این دید انسان پشت میز بنشیند کدام عبادت و کدام نماز شب خاصیت این قضاوتی را دارد که به عنوان یک سربازی که منتظر آمدن حضرت تاشی و بجای حضرت کاری را که

به وی سپرده اند انجام وظیفه کنی ؟ من قاضی چگونه می‌توانم از این خیر بی تفاوت یا به غفلت بگذرم چرا دارایی های خودمان را نشناسیم و چرا به خودمان نبالیم ولی اگر من هیچ مطمئن نیستم روزی مظلومی را به حشش رسانده ام و یک ظالم را از جهنم نجات داده ام و این برخورد ما با کسانی که ظالم هستند به نفع ایشان و مایه نجات آنها هم هست ما ظالم و مظلوم را باید نجات دهیم ما بی طرف هستیم ، اهل نجاتیم اهل اصلاحیم برای ما که فرقی نمی‌کند ظالم که قابل ترحم تر است بد بخت آتشی را روشن کرده و خدا اطفاء حریق آنرا به من سپرده است ما این طوری هستیم اگر چنین عمل کنیم آیا فرهنگ به این صورت نمی‌شود که متخلفین خودشان بیایند و بگویند آقای قاضی در شرع اسلام تو طیب من هستی ؟ من آمدم با اجرای حق دل مرا پاک کنی "یا علی طهرنی" چرا از ما مخفی می‌کردند ولی به امام علی (ع) و پیامبر (ص) می‌گفتند که بیا ما را پاک کن چرا ما این باور را در مردم ایجاد نکردیم چرا طبابت نکردیم من وقتی به ریاست محترم قوه قضاییه عرض کردم شما در جامعه ببینید که می‌گویند و قضا کی است ؟ یا آمار چه قدر است ببینید امنیت در جامعه چه جور است قتلهایی که اتفاق می‌افتد دزدی هایی که اتفاق می‌افتد قتلهایی که انجام می‌شود اینها را ببینید که ما چه قدر نقش داریم هر وقت اینها را توانستیم ریشه کن کنیم معلوم می‌شود دستگاه ما درست عمل کرده دستگاه ما نقش ایفا کرده دستگاه ما نفس مسیحایی دارد و زنده کرده جامعه را ولی ما از جان مایه بگذاریم از زن و بچه هایمان مایه بگذاریم گاهی خدا نکند از دینمان و ایمانمان مایه بگذاریم هیچ نتیجه ای هم در جامعه نبینیم از نظر رفع ناامنی ها در خود ادارات گرفته تا بازار تا متن جامعه ، این دخترهاییکه الان در پرنگاه سقوطند این وضعی که هست واقعاً ما چه مقدار احساس مسئولیت می‌کنیم آدم یا باید باری را به دوش خودش بگیرد و اگر گرفت باید ببینیم این بار را به مقصد رسانده ایم یا نه ؟ ما در حفظ نوامیس مردم چه مقدار موفق بوده ایم دانشگاه ها را چه مقدار اصلاح کرده ایم نگریید کار ما کار قضایی است و کار حوزه ها کار فرهنگی است نه در اسلام اینگونه تفکیک نشده علی (ع) هم قاضی است هم مرشد است امیرالمومنین (ع) تفکیک نکرده این کارها را اصلاً کار قضایی ما کار فرهنگی است کما اینکه کار نظامیان ایران اسلامی کار نظامی خشن نیست اینها دارند کار فرهنگی می‌کنند همه ما مامورین الهی هستیم و فرشتگان نجات جامعه ما اگر وقتی مردم پشت میزمان می‌آیند با هاله ای از قداست مواجه شوند والله تحت تاثیر عقیده ما قرار می‌گیرند می‌گویند آنجا قاضی بود که از خدا می‌ترسید از خوف خدا میلرزید برای دیدن یک مظلوم بر افروخته بود ولی این دلسوزی را این حقیقت را و این ایمان را باید در وجود ما بیابند و الان نمی‌شود .

* قدم اول در حرکت اصلاحی پیامبر (ص) برای نجات بشریت این بود "اقرأ" قرائت .

* قدم دوم مامور می‌شود "قم اللیل الاقلیلا ، نصفه او انقص منهقلیلا" قاضی نماز اول وقت نخواند قاضی نماز شب نخواند قاضی سروسری با خدا نداشته باشد

این کار خطرناک را قبول کرده با حق مردم سروکار دارد یا ناموس مردم سروکار دارد ولی هیچ خلوتی با خدا ندارد از خودش محاکمه نمی کشد از خودش حساب نمی کشد فقط از دیگران حساب می کشد . در انجام امور دینی مقام شریف و مثلی چون آقای بهاء‌الدینی کسی را نداریم آقای بهجت را داریم آقای بهجت کسی است که من خودم از ایشان کرامت مستقیم دیده ام ما با هم قم می رفتیم من در ماشین عصبانی شدم بعد رفتم به محضر ایشان تارسیدم و حال و احوال کردم ایشان فرمودند در این سفر نباید عصبانی می شدی برو راضی کن به یکی از عزیزان ما که از ایشان خواسته بودند که آقا یک چیزی به ما بگو که حجت را بر ما تمام کند ما هم تکان بخوریم و راه یفیتیم فرموده بودند همین مقدار به تو بگویم که من در دیدن نیاز به چشمانم ندارم پشت سرم را آنطور می بینم که جلوی صورتم را می بینم اینها در زمان ما هستند ما بجای اینها نشستیم ایم این جایگاه آیت اله بهجت است که به ما داده اند ما چه سختی با اینها داریم ما چه سختی با پیامبران داریم "قم اللیل الا قلیلا" آیت اله بهاء‌الدینی به من فرمودند که نماز شب اگر حالش را نداشتی سحر پاشو یک یا کریم بگو بعد بخواب آقای بهجت به من فرمودند که اگر خسته ای و بخوابی نمی توانی برای نماز شب بیدار شوی در بستر نرو ، ایستاده چرت بزنی تا وقت نماز را از دست ندهی

او به یکی از معممین می گفت : حرفهای تو در من هیچ اثر نکرد اما شیخ مرتضی زاهد وفات کرده بود من جزء لاتهای بزرگ تهران بودم ولی جنازه شیخ مرتضی زاهد را دیدم و تکان خوردم و هدایت شدم مرده او مرا هدایت کرد تو زنده ای هر چه موعظه می کنی من تحت تاثیر قرار نمی گیرم

امام راحل (قدس سره) بنیانگذار نظام ما ایشان که نماز شبشان قضا می شد در حالت ایشان بعضی از موثقین به من نقل کرده اند که خدمت کار ایشان صبح به منزل ایشان رفته بود دیده بودند امام با صدای بلند گریه می کنند ترسیده بود آمده بود پیش حاج احمد آقا گفته بود حاج آقا نمی دانم چه مشکلی پیش آمده برای امام که با صدای بلند دارند گریه می کنند حاج احمد آقا گفته بودند نگران نباش احتمالاً نماز شبش از دستش رفته است امام کسی از که در مرگ پسرش گریه نکرده اما برای از دست دادن نماز شبش گریه کرد ما اگر بخوایم سالم باشیم نمی توانیم که از دهای نفس من عالم را می خورد من که خیلی کوچک هستم نابودم کرده مگر من از عهده نفسم بر می آیم بیاید کاری کنیم که خدا به ما رحم کند "و ما ابره نفسی ان النفس لاماره بالسوء الا ما رحم ربی" هر که را خدا رحم نکند و او را به خودش واگذارد امیرالمومنین (ع) یک خطبه ای دارد راجع به قضات که در آنجا مطرح می کنند از مردم کسانی هستند که "و کل الله الانفسه" یعنی از قضات کسانی هستند که خداوند بعضی هایشان را خدا به خودشان واگذار کرده و مشعوف است به آرائی خودش و دلنده نظرات خودش است خیلی از خودش

راضی است آنوقت اختلاف آرا را نقل میکنند که این یک چیز می گوید دیگری چیز دیگر این قضایوت می کند به آن بالادستی که می رسد هر دو اختلاف را تایید می کند و خودش هم یک نظر سومی می دهد شما که خدایان یکی است ، قانون و کتاب شما هم یکی است اینهمه اختلافات آرا را از کجا آورده اید ؟ شما جز این است که یکجایی تفوای شما می لنگد و الا ما مگر چند تا حق داریم یا این بیماری است یا نیست یکی از شما بیماری را تشخیص می دهد و نسخه می پیچد و دیگری می گوید اصلاً دوا ندارد و او بیمار نیست و او را به عنوان انسان سالم رها می کند دیگری بستری اش می کند کدام یک از شما راست می گوید این اختلافات برای چه پیش می آید "قم اللیل الا قلیلا ، نصفه او انقص منه قلیلا" حالا که بار سنگینی را به دوش گرفته ایم برای زندگی خدای متعال فرموده که : " . . . قسمنا ینهم معیشتهم " ما تقسیم کرده ایم روزی را در آسمان پیدا کنی روزی شما در زمین نیست شما وظیفه تان کار است وظیفه تان را بشناسید شما ایفاء مسئولیت کنید روزتان بدست حضرت حق سبحان الله و تعالی است "قم اللیل الا قلیلا" این سحر خیزی و این نماز شب و این نماز اول وقت برای خود سازی و برای توجه به خداست و برای تضمین ارتباط با حق مطلق است و این از اوجب واجبات کسی است که با حقوق مردم با مرزهایی که با دیگران باید این مرزها را مشخص کنیم ما از دیگران در این جهت محتاجتر هستیم به نماز . "ان الصلاه تنهی

عن الفحشاء والمنکر" * مرحله بعدی حرکت نبری این است که "بیا ایها المشرک ، قم فانذر ، و ربک فکبر ، و ثیابک فطهر" حالا که هم اهل قرائتی هم از خودسازی ات غافل نیستی روزها سبح طویل داری و شنا می کنی در کوران مسائل قضایی ، سیاسی ، اجتماعی و معیشتی روزها داری شنا می کنی در دریا افتادی شها خلوت است بیا پیش ما گناه کارها خوابند اهل غفلت خوابند شب ها بیا پیش ما ، ما توشه روزی ات را می دهیم نور روزت را می دهیم ما سلاح لازم را میدهیم که روزها نفست و دشمنانت ترا از پای نیندازند شبها بیا پیش ما حالا که قیام شب داری و خود سازی داری و خلوت با خود داری و محاسبه و مراقبه داری حالا مسئولیت اجتماعی هم به شما می دهیم انذار عمدتاً به عهده قضات است عزیزی بود در قم حضرت آقای مبشری دیده بودند شاید بزرگان دیگر هم دیده بودند حاج شیخ آخوند کبیری بود در روضه های ما می آمد روضه می خواند یک نفر بیشتر پسر نداشت آن هم شهید شد بعد از شهادت پسرش می گفت که دلم یک آتیشی گرفته می روم در آب سرد خنک نمی شود گاهی قالب یخ روی سینه ام می گذارم خنک نمی شود رفته بود خدمت امام در جماران گفته بود ، امام شعله است دارد آیم می کند شما دستت را بگذار روی قلب من شاید قلبم آرام بگیرد . او به یکی از معممین می گفت : حرفهای تو در من هیچ اثر نکرد اما شیخ مرتضی زاهد وفات کرده بود من جزء لاتهای بزرگ تهران بودم ولی جنازه شیخ

مرتضی زاهد را دیدم و تکان خوردم و هدایت شدم مرده او مرا هدایت کرد تو زنده ای هر چه موعظه می کنی من تحت تاثیر قرار نمی گیرم آدم خودش حقیقت نداشته باشد حرفش هم حقیقت ندارد ؛ به آدم می گویند اگر این آدم خودش راست می گفت چرا این کار را می کند اگر قاضی خودش حقیقت نداشته باشد حتی اگر حکم به حق بدهد تاثیر ندارد حکم به حق و وظیفه اش است حقوق می گیرد باید این کار را بکند هیچ کار اصلاحی و نجاتی نمی کند دارد برای خودش زندگی می کند ایفای رسالت امیرالمومنین (ع) و پیامبر (ص) این نیست که ما کار کنیم مزد بگیریم و کارمان را درست انجام بدهیم اگر ما حقوق بگیریم کار درست انجام ندهیم مالی که میگیریم حرام می شد و کسی که لقمه حرامی بخورد ملائکه او را لعنت می کنند نمی تواند به خدا برسد نمی تواند انسان موفقی باشد .

"قم فانذر" بعد از قرائت ، خودآگاهی ، قانون شناسی و حق شناسی اجرای قانون در خودمان است خودشناسی و بستن بار معنوی خودمان است و مرحله سوم "قم فانذر ، و ربک فکبر ، و ثیابک فطهر" از خودت شروع کن بعد ملازمت زن و بچه ات قاضی زن و بچه اش آنها که اهل خلاف نیستند ما همه را می خواهیم راهنمایی کنیم و از خلاف جلوگیری کنیم و غافل از زن و بچه خودمان باشیم این خلاف روش پیامبر است قاضی هم باید خودش را بسازد غافل شدن از خانواده کاری یک قاضی عادل نیست ؛ بعد از زن و بچه نوبت به دور و بری های انسان می رسد معاوینش ، دفترش ، افرادی که برای او کار می کنند لباس او هستند آنچه که برای شما پوشش است مردم کارش را از چشم شما می بینند این پوشش ها را باید اصلاح کنید اگر بخوایم درست کار انجام بدهیم و گرنه می گردیم و انسان خوبی پیدا نمی کنیم اینجا که دور و برتان انسانها هستند خودتان که باید خوب باشید هیچ اطرافیانان نیز باید پاک باشند . " و ثیابک فطهر" در آستانه اذان هستیم یک حدیث خدمتتان عرض می کنم انشاءالله دل پاک شما در ما هم اثر می گذارد خیلی دوست دارم اینطور که می گویم باشیم و آرزو دارم شرمند شما در روز قیامت نباشیم و شما هم شرمند ارباب رجوعتان روز قیامت نباشید در عدالت آنطور که بزرگان فرموده اند چند تعریف برای عدالت وجود دارد :

* یک : عدالت این است "اعطاء کل ذیحق حقه" که آدم خود را بشناسد جایگاهش را هم بداند و حق را به حقدار برساند استعدادها ، زمینه ها و تقاضاها شناخته شود عرضه ها متناسب با تقاضا باشد درها شناسایی شود درمان متناسب با درد باشد اعمال قانون افراط و تفریط بر نمی دارد آدم درد و مشکل و خلاف را بشناسد روحیه متخلف را هم بشناسد برای هر خلفا که نوع خلاف یکی است نوع خلاف کافی نیست انگیزه ها هم در اعمال نیک هم در اعمال شرز زمین تا آسمان آن عمل را از نظر رده بندی متفاوت می کند یک آدم حرفه ای در جنایت با انسانی که تازه در این کار افتاده کسی که خیانتش در حدی بود که می خواست نظامی را بر اندازد

با یک مسئول که عصبانی شده به یکطرفه بد گفته زمین تا آسمان فرق می کند قاضی محکمه دارد قاضی باید حکیم باشد قاضی باشد "و من یوتی الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا" "انا آئینا لقمان الحکمه" باید لقمان زمان باشد هم حق را بشناسد هم زمینه و کیفیت حق اعمال حق را بشناسد والا نمی تواند احقاق حق کند .

*دوم : از امیرالمومنین می پرسند عدل افضل است یا جود ، حضرت می فرمایند عدل فضیلتش بیشتر از جود است عدالت هر چیز را در جای خود قرار می دهد اما جود فوق عدالت است نظام عالم این است که هر چیز باید سر جای خودش قرار بگیرد عدل فقهی را گفته اند التزام به واجبات ، ترک کبائر ، عدم اصرار بر صغائر و یک چیز دیگر گفته اند و آن اینکه خلاف مروت عمل نکنیم اینها چیزهایی است که فقهایی مادر متون فقهی شان آورده اند حالا در ارتباط با آن سه چیز که خاطرمان راحت است که قاضی نمازش را ترک نمی کند قاضی که غیبت نمی کند قاضی که نگاهش آلوده نیست اینها همه به جای خود ولی یک چیزی که دادسرای انتظامی گاهی اوقات روی آن حساب باز کرده و کیفر خواست صادر می کند و محاکم انتظامی هم رای می دهند گاهی حتی انفصال می دهند آن رعایت شان است همین مروت است این مروت خیلی سازنده است که انسان گاهی اوقات چیزهایی می گوید که خلاف شرع نیست ولی مروت اساسا در دین ما جایگاهی دارد که کسی که مروت نداشته باشد واقعا این مروت ها و مستحبات و این تربیاتی که اسلام برای رفتار ما پیش بینی کرده اینها پاسدار حقایق و محتوی است لذا کسی که نماز شب می خواند نماز صبحش هیچگاه قضا نمی شود اما کسی که نماز شب نمی خواند نماز صبحش هم قضا می شود همیشه مروت پاسدار و سیم خرداری است که دور محوطه را گرفته و نمی گذارد دست متجاوز به آن برسد .

امیرالمومنین فرموده اند : "المروه اربع : ۱ التواضع مع الدوله" مروت چهار چیز است : یکی از آنها رعایت تواضع در حال داشتن دولت و قدرت است آدم قلم به دست گرفته مردم به او احتیاج دارند روز مبادا را می بینند مراجعه زیاد می کنند احترام زیاد می کنند و انسان کم کم برایش باور می شود که او قابل احترام است او جای ستایش بوده که اینقدر ما را تحویل می گیرند غافل از اینکه دارند تجارت می کنند دارند گولمان می زنند دارند مغرورمان می کنند دارند آنچه نستیم به ما می بندند ما داریم ، خودمان را گم می کنیم توی تعریفهای بی خودی چه کنیم ؟ بیاید ما از خاکسای بودن خودمان دست بر نداریم بیاید مثل شیخ جعفر کبیر آن مرجع بزرگی که تواضعش زیاد بود به مرجعیت تقلید رسیده بود مرحوم بحر العلوم در زمان ایشان مرجع نبودند استاد فقه بود استاد اخلاق بود استاد حکمت و فقه بود به شیخ جعفر که می رسید خم می شد گوشه عمامه اش را باز می کرد و نعلین شیخ جعفر را با گوشه عمامه خودش پاک می کرد گفت اند آقا شما مرجع تقلید هستید این چه کاری است که می کنید ؟ می فرمود او خدمت امام زمان (عج) می رسد من که این شایستگی

را پیدا نکرده ام امام را ببینم .

این احترام به قداست ما است به همه احترام کنید شما که نمی شناسید که آدمی که لباس مناسب و وکیل ندارد گاهی حق خودش را نمی تواند بیان کند شما از کجا می دانید او یکی از اولیاء الله و اوتاد نیست کسی که الان از نظر شما گنه کار است و شما الان وظیفه نان است او را محکوم کنید زندانی کنید و حتی شلاقش بزنید از کجا میدانید او از اولیاء الهی نباشد مگر از عاقبت خودمان خیر داریم جوانی آمد خدمت امام علی (ع) گفت من با پسری لواط کرده ام مرا پاک کن امام رد کردند گفتند اینطوری نگو شاید اشتباه کردی او چهار بار اقرار کرد این یکی از آن مسائل است چرا به زود اقرار بگیریم و آبروی آنها را بریزیم چرا خانواده ها را بی آبرو کنیم چرا در رابطه با جوانها اینگونه وانمود شود که آدمهای حد خورده ای هستند مشی ما برای اصلاح مشی خود ائمه باشد پیامبر هم اینگونه بودند چهار بار حضرت رد کردند بار چهارم که آمد حضرت فرمودند مجازات تو یکی از این سه کیفر را دارد یا با شمشیر بزنیم یا از کوه پرت کنیم یا در آتش بسوزانیم جوان پرسید کدامش سنگین تر است امیرالمومنین (ع) فرمودند : سوختن در آتش .

ما با اینکه طاقتم نداریم ولی هیچ مراقبتی نداریم ما واقعا نمی دانیم اگر الان بمیریم ما را کجا می برند هیچکس نمی داند امیرالمومنین (ع) وقتی فرمودند : آتش سنگین است جوان گفت آقا من طالبم مرا در آتش بسوزانید و آن را انتخاب می کنم حضرت دستور دادند گودالی کنند آتشی روشن کردند جوان پرسید حضرت اجازه می دهید من دو رکعت نماز بخوانم آخرین نماز را با خدای خودم . گاهی اوقات انسان حتی به اندازه دزد هم وجدان ندارد او نمازی خواند سجده ای کرد و در سجده اش به خدای خود اعترافاتی کرد امیرالمومنین (ع) گریه اش گرفت و فرمود : "قم یا هذا" برخیز ای گنه کار ملائکه را به گریه در آوردی حضرت معافش کرد بعد از ایشان پرسید یا امیرالمومنین (ع) شما اجرای حد را تعطیل می کنید ؟ حضرت فرمودند خیر ، خدایی که آن مجازات را قرار داده الان گناهی برایش نماند با این حالی که پیدا کرد با این توبه واقعی که پیدا کرد پاک و پاکیزه است امیرالمومنین (ع) فرمودند ملائکه با گریه تو گریه کرده اند و علی (ع) فرمودند خدا گناهان تو را پاک کرد آیا ما حق داریم به این گناه کاران احم کنیم ؟ آیا حق داریم بی خودی به آنها اهانت و تحقیر بکنیم ؟ اعمال مجازات در جای خودش اما احتمال بدهیم او ولی خدا باشد و ما ناشییم "التواضع مع الدوله" پس در هر مقامی تواضع را از دست ندهیم خاکی بودن ژست نداشتن را ، مغرور نبودن را و خود را نگرستن را همیشه داشت باشیم یکی از مسائلی که انسان را مغرور می کند بستن در هایش و عدم ارتباط با دیگران است اینها انسان را بت می کند مگر من کی هستم که در را ببندم و مردم حق ملاقات با من نداشته باشند چرا مگر من تا کی اینجا هستم مگر اینجا کارم تمام شد نمی روم و نمی خواهم در چشم این مردم نگاه کنم ؟ چرا من خودم را اینقدر بزرگ کرده ام که هیچ جا جایم نمیشود

نکته اول : "التواضع مع الدوله" . نکته بعدی العفو مع القدره که خودش جایگاهی دارد و قابل بحث است .

سوم : "النصيحة مع العداوه" که این نکته ظریفی است کسی کار بدی کرده و با بدی بد شده عصبانی است دارد خودش را می خورد این باعث می شود تندی کند و شدیدترین مجازات را در موردش اعمال می کند گاهی بدی مردم در اثر کم ظرفیتی شان است خبیث تر از آنها هستند بدیشان را نشان نمی دهند آدم با کسی که بد شد خواست محکومش کند اینجا دلسوزی اش را از دست ندهد فکر کند بچه خودش است بچه ما که بدی می کند ما چگونه بر خورد می کنیم النصیحة یعنی دلسوزی انسان با دشمن خودش با کسانی که بدی آنها را خیلی بد می داند با آنها اعمال عداوت نکنیم اعمال دلسوزی کنیم یعنی زندان ما از روی دلسوزی باشد شلاق ما از روی دلسوزی باشد به قصد نجات باشد "لعنک باعع نفسک علی اثارهم ان لم یومن بهذا الحدیث اسفا" .

چهارم : العطاء بلا منه کار را برای خدا بکنیم متنی برای کسی نداشته باشیم خوب کار می کنیم زیاد کار می کنیم توفعی از مسئول و رده های بالا ، پاداش خواستن به امید اینکه فردا هوای ما را دارند این کارها با اخلاص نمی سازد آدم کاری کرد تحویلش نگرفتند اگر پشیمان شود بگوید این کارها خریدار ندارد پشیمانم چرا این کارها را انجام داده ام ؟ چرا در این مسیر کار کرده ام ؟ اینها با اخلاص نمی سازد شما مکتبتان مکتب حضرت زهرا (س) و امیرالمومنین (ع) و ائمه "انما نطمعکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکورا" است بدون توقع خدمت کنیم کاری به بد و خوب بالا نداشته باشیم خودمان برای خدا کار کنیم . "العطاء بلا منه"

دیگر وقت کم است این فضای صمیمی و راحت که اینقدر این بزرگواران و عزیزان با کوله باری از تجارب ، شما با این خوبی هایتان ما را هضم در خودتان می کنید . بیش از این حرف زدن جایز نیست .

یک سلام به امام حسین (ع) در آخر کار بدهیم به جز حسین مرا در جهان پناهی نیست .

صلی الله علیک یا ابا عبدالله السلام علیک و علی الارواح التي حلت بفنائک علیک منی سلام الله ابدا ما بقیت و بقی اللیل والنهار و لا جعله الله آخر العهد منی لزیارتکم السلام علی الحسنین و علی بنی الحسنین و علی اولاد الحسنین و علی اصحاب الحسنین (ع) .

کشتی نجات است علی الاطلاق انشالله برای نجات معنویت و مادیات خود دامن امام حسین (ع) را محکم بگیرید آیت الله مرحوم میرزای شیرازی هر روز در خانه اش گریه برای امام حسین (ع) می کرد بعد برای رتق و فتق امور مرجعیت بیرون می آمد و شاگردانش مانند شیخ عبد الکریم نیز اینچنین بودند یک سلام جلدی به امام حسین (ع) و کربلا ، یک سیمی با امام حسین (ع) وصل کنید انشالله بعد بیاید برای کارهایتان و سنگرتان حماسه بیافرینید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته